

## نقش واسطه ای تفکر انتقادی در رابطه بین ادراک والدینی و باورهای دینی

### The mediating role of critical thinking in the relationship between parental perception with religious beliefs

**Dr. Elaheh Hejazi**

Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

**Dr. Abbas Rahimzadeh**

Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

**Mahdi Moradi\***

Master of Educational Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

[mahdimoradi25@yahoo.com](mailto:mahdimoradi25@yahoo.com)

دکتر الهه حجازی

دانشیار، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر عباس رحیمی نژاد

دانشیار، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مهدی مرادی (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد، روان شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

#### Abstract

The aim of this study was to determine the relationship between parental perceptions with religious beliefs considering the mediating role of critical thinking. The research method was a descriptive correlation and path analysis. The population of this study was students in secondary schools in the city Khoramdareh with ages 15 to 17 years. The number of 162 high school pupils selected with random cluster sampling among high schools. To collect data, the scale of perception of parents (POPS; Grolnick et al., 1997), Post-Critical Belief Scale (PCBS; Duriez, Fontaine and Hutsebaut, 2000) and California critical thinking dispositions inventory (CCTDI; Peter Facione, Noren Facione, and Giancarlo, 2001) used. The results of path analysis showed that critical thinking as a mediator variable had a positive relation with relativism, orthodox, and religious dialogue. Among predicting variables only parental engagement had a positive relationship with external critics as criterion variables. As a result, critical thinking explained 16% of variance as mediator variables in predicting religious beliefs in students. In sum, increasing the level of critical thinking in students could have an important role in criticizing religious issues.

**Keywords:** *parental perception, critical thinking, religious beliefs, path analysis*

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ادراک والدینی و باورهای دینی دانش آموزان با نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی انجام شد. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر سال دوم متوسطه شهر خرمدره با مقطع سنی ۱۵ تا ۱۷ سال بودند و به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله ای با حجم نمونه ۱۶۲ نفر انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس ادراک از والدین (POPS؛ گروولینک و همکاران، ۱۹۹۷)، مقیاس باور پسا انتقادی (PCBS؛ دیورز، فونتین و هاتسبوت، ۲۰۰۰) و سیاهه تمایلات تفکر انتقادی کالیفرنیا (CCTDI؛ پیتر فاشیون، نورن فاشیون و گیانکارلو، ۲۰۰۱) استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر نشان داد که تفکر انتقادی به عنوان متغیر واسطه‌ای با سه متغیر باور دینی (نسبی گرایی، رایج نگری و پرسشگری دینی) رابطه معنی دار داشت. از میان متغیرهای پیش بین، فقط درگیری والدین با باور دینی نقد ظاهری رابطه مستقیم مثبت معنی دار داشت و بقیه متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک، رابطه مستقیم معنی دار نداشتند. همچنین ۱۶ درصد از تغییرات واریانس نمرات باورهای دینی با واسطه گری تفکر انتقادی توسط ادراک والدینی در بین دانش آموزان قابل تبیین است. در مجموع می‌توان گفت ارتقای تفکر انتقادی دانش آموزان می‌تواند نقش مهمی در نقد و پرسشگری باورهای دینی داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** *ادراک والدینی، تفکر انتقادی، باورهای دینی، تحلیل مسیر*

ویرایش نهایی: شهریور ۹۹

پذیرش: اردیبهشت ۹۹

دریافت: مرداد ۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

#### مقدمه

باورهای دینی، اعتقاداتی هستند که از دین ناشی شده اند (چراغی و بیاری، ۱۳۹۸). به نظر گلاک و استارک<sup>۱</sup> (۱۹۶۵)؛ به نقل از مکیلانی، درانی و صالحی، (۱۳۹۶) همه ادیان دنیا به رغم تفاوت هایی که در جزئیات دارند، عرصه های مشترکی دارند که دینداری در آنها

<sup>1</sup>. Glock & Stark

## The mediating role of critical thinking in the relationship between parental perception with religious beliefs

متجلی می‌شود. یکی از این عرصه‌ها بعد اعتقادی یا باورهای دینی است، یعنی آموزه‌هایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد قلبی داشته باشند و مبتنی بر آن، رفتارها و حرکات دینی و اجتماعی خود را متعادل و سپس متعالی سازند و به همین دلیل است که از باورهای دینی، به عنوان رکن اساسی دینداری یاد می‌شود. نتایج یک پژوهش توصیفی - تحلیلی نشان داد که والدین از مهم‌ترین عوامل شکل دهی و تقویت یا تضعیف دینداری در فرزندان خود هستند (هادیان، غروی راد و آذربایجانی، ۱۳۹۲).

تأثیر باورها و رفتارهای دینی والدین بر دینداری فرزندان، در آیات مختلف قرآن آمده (نوح، ۲۷؛ بقره، ۱۷۰؛ لقمان، ۲۱؛ مائده، ۱۰۴؛ زخرف، ۲۲) و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است (هادیان، ۱۳۹۱). خلیلی فر، کاظمی و جاویدی (۱۳۹۵) در تحقیق خود دریافتند که سبک فرزندپروری والدین بر جهت‌گیری مذهبی فرزندان اثرگذار است. در خانواده اساس شخصیت انسان پی‌ریزی می‌شود و فرزندان در طول زندگی خود با والدین، رفتارها و باورهای دینی آنان را آموخته و درونی می‌کنند. از نظر جانستون<sup>۱</sup> (۱۹۸۸؛ به نقل از موران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳) افراد دین را از طریق خانواده یا فرهنگشان به همان طریقی که نقش جنسیتی، زبان و یا سبک زندگی را فرا گرفته‌اند، درونی می‌کنند. بیشتر الگوهای اجتماعی و درونی شدن ارزش‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از خانواده نشأت می‌گیرد و این طور تصور می‌شود که فرزندان نگرش‌ها، نقش‌ها و انتظارات والدینشان را درونی می‌کنند (اسچن فلاگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ به نقل از حیدری، مظاهری و صادقی، ۱۳۸۶). براساس یافته‌های برخی پژوهش‌های انجام شده (قربانی، ۱۳۹۸)، باید پیروان ادیان الهی را به شناخت درست و عقلانی باورهای دینی دعوت نمود. نتایج پژوهش دهقانی و اخوت (۱۳۹۴) نشان داد که بین شیوه‌های فرزند پروری با تفکر انتقادی رابطه معنی‌دار وجود دارد. تفکر انتقادی، فراتر از کسب دانش صرف است و در سطحی بالاتر از تفکر جای می‌گیرد (پیترس، لارنس و فردریک نل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) بنابراین افراد باید برتری و فضیلت دانش را بپذیرند و با روش شک کردن معقولانه آشنا باشند (اسمیت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲؛ به نقل از شعبانی، ۱۳۹۲). پرسشگری در عقاید و باورهای دینی، درگیر شدن و دخیل شدن خود فرد در باورها و اعتقادات شخصی، عامل شکوفایی طبیعت و فطرت او می‌گردد و همین زمینه فطری، عاملی است که فرد در دوره‌ای از زندگی خود نسبت به باورها و عقایدی که کسب نموده، دچار نوعی تردید و یا به تعبیر مطهری (۱۳۸۵)، شک مقدس<sup>۶</sup> شود. این نوع گرایشی که فرد را نسبت به پذیرش عقاید، باورها و دانسته‌های قبلی دچار تردید و تحریک به مطالعه، تفکر و استدلال می‌کند، تفکر انتقادی<sup>۷</sup> نامیده می‌شود که عوامل بسیاری از جمله خانواده، مربیان، همسالان و شرایط محیطی در آن مؤثر است. تفکر انتقادی راهی است به سوی درست فکر کردن (لیوتیک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). انیس<sup>۹</sup> (۱۹۸۷) به نقل از نعیمی، آشفته و طالبی، (۱۳۹۵)، تفکر انتقادی را تفکر تأملی و عقلانی می‌داند که براساس آن به تصمیم‌گیری در مورد اعتقادات و اعمالی که انجام می‌دهیم، می‌پردازیم. همچنین، می‌توان آن را ارزیابی و تفسیر اطلاعات در دسترس، قبل از تصمیم‌گیری و اقدام عملی تعریف کرد (آلپر آی، کاراکایا و یلماز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵). تفکر انتقادی از نظر ماهیت، نوعی ارزشیابی است، و به معنای ارزشیابی یا قضاوت کردن درباره درستی یا نادرستی چیزی است و بر خلاف تصور عامه مردم، هرگز به معنای منفی نگری یا عیب جویی نیست (شعبانی، ۱۳۹۲). ولف<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۱، ۱۹۹۷) با توجه به ایده ریکوار<sup>۱۲</sup> که تلاش می‌کرد به این سؤال پاسخ دهد که "چطور مردم می‌توانند در حالی که با تعداد زیادی انتقاد روبرو می‌شوند، هنوز خودشان را مذهبی و پای بند به باورشان بدانند؟" و مطالعات عمیقی که در این زمینه انجام داد، الگوی جدیدی را معرفی کرد. ولف به جای تمرکز بر رفتارهای مذهبی بیرونی، فرایندهای شناختی درگیر در جهت‌گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است (هانتلی<sup>۱۳</sup> و پیترز، ۲۰۰۵). دیورز، فونتین و هاتسیوت<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۰) بر اساس مدل ولف، مقیاس باور پسا انتقادی را تنظیم و

1. Johnston

2. Moran

3. Flag

4. Pieterse, Lawrence & Friedrich-NeL

5. Esmith

6. holy doubt

7. Critical thinking

8. Lyutykh

9. Ennis

10. Alper Ay, Karakaya & Yilmaz

11. Wulf

12. Reykvar

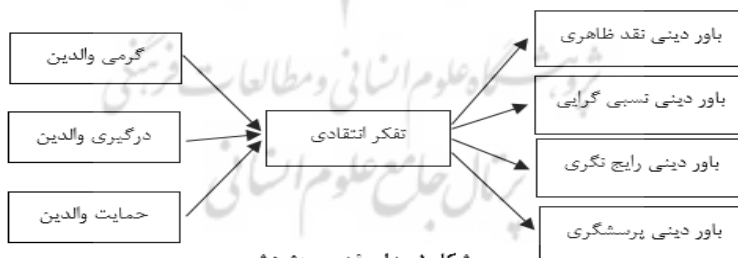
13. Huntley

14. Duriez, Fontain & Hutsebaut

ارایه کرده اند. این مقیاس چهار نوع نگرش دینی را مورد بررسی قرار می دهد: رایج نگرش<sup>۱</sup>، نقد ظاهری<sup>۲</sup>، پرسشگری دینی<sup>۳</sup> و نسبی گرایی<sup>۴</sup>. افراد با باور رایج نگرش؛ مضامین دینی را بدون تلاش برای کسب اطلاعات یا معنایابی در این حوزه می پذیرند و تفسیری سطحی از محتوی دین دارند، افراد با این نوع باور، باورهای دینی مراجع و قدرت های مذهبی را درونی می کنند و نسبت به آداب و عقائد سنتی پذیرش زیادی دارند. پرسشگری دینی با پردازش عمیق مضامین دینی مرتبط است، افراد با این نوع باور دینی سعی در یافتن اطلاعات جامع درباره ادیان مختلف و تفاسیر گوناگون از دین دارند و سعی می کنند به باور دینی درونی شده دست یابند (ساروگلو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۲). افراد با باور نسبی گرایی، وجود دین را انکار می کنند اما می پذیرند که مضامین دینی می تواند تفسیر عمیق داشته باشد، اما این افراد نسبت به تفاسیر نادرست از دین هم باورپذیری دارند، افراد با این باور معتقدند که دین در زمان های مختلف باید به صورت های مختلف تفسیر شود و از این جهت، نسبت گرا نامیده می شوند. افراد با باور نقد ظاهری، دارای جهت گیری ضد مذهبی هستند و هرگونه تفسیر در مورد مضامین دینی را رد می کنند (دیورز و همکاران، ۲۰۰۰).

برخی از پژوهش ها که عموماً در خارج از ایران انجام شده اند به این نتیجه رسیده اند که افراد با تفکر انتقادی بالاتر و سبک شناختی منطقی و عقلانی، باورهای مذهبی کمتری را مورد پذیرش قرار می دهند (پنی کوک، گوردون، چینه، جیمز، بار<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۳؛ رزمیار و ریو<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳؛ گرویس و نورنزیان<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲). "رابطه ویژگیهای شخصیتی و تفکر انتقادی با باورهای دینی دانشجویان"، عنوان پایان نامه سعیده مظفری است که در سال ۱۳۸۷ در دانشگاه تهران انجام شده است. این پیمایش بر روی دانشجویان سال اول دانشگاه تهران انجام شد و نتایج پژوهش، حاکی از آن است که متغیرهای ویژگی های شخصیتی و تفکر انتقادی، قادر به پیش بینی و تبیین واریانس باورهای دینی هستند. نتایج پژوهش جواد زاده شهشهانی (۱۳۸۳) نیز نشان می دهد کسانی که از مهارت تفکر انتقادی، به خوبی استفاده کرده یا می کنند، از هویت دینی شکل یافته تری برخوردارند و یا اینکه مراحل جستجو برای دستیابی به هویت دینی شکل یافته را طی می کنند. برخی پژوهشگران، به دنبال این هستند که با مطالعه مولفه های تفکر انتقادی، فرایند های شناختی و عاطفی تفکر انتقادی، کشف و تبیین شده و در مسیر تربیت دینی دانش آموزان به کار بسته شود و در نتایج پژوهش خود (مرادی مخلص و حیدری، ۱۳۹۵) اظهار داشتند؛ آنچه که در عصر ارتباطات و اطلاعات، باید محور فعالیت نظام های تعلیم و تربیت قرارگیرد، ابداع و به کارگیری روش هایی برای تربیت دینی مبتنی بر اصول صحیح است و با پرورش تفکر انتقادی در فرایند آموزش، زمینه برای تربیت دینی به بهترین شکل فراهم می آید.

پژوهش حاضر به دنبال آن است که باورهای دینی با واسطه تفکر انتقادی، چگونه از تربیت والدین و اقدامات آن ها تأثیر می پذیرند؟ به عبارتی، نقش واسطه ای تفکر انتقادی در رابطه بین ادراک والدینی و باورهای دینی چیست؟



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

1. Orthodoxy
2. External critique
3. Religious dialogue
4. Relativism
5. Saroglou
6. Pennycook, Gordon, Cheyne, James Allan & Barr
7. Razmyar & Reeve
8. Gervais & Norenzayan

## روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان پسر سال دوم دبیرستان مقطع متوسطه (دوره دوم) شهر خرمدره (استان زنجان)، در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ (در حدود ۳۲۷ نفر) است. برای انتخاب نمونه از بین ۶ مدرسه، ۳ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد، پرسشنامه‌ها در بین ۱۶۲ نمونه (تمامی دانش آموزان حاضر در کلاس‌های دوم متوسطه (دوره دوم) که در سه مدرسه انتخاب شده بودند) که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند، در بین دانش آموزانی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند، اجرا شد. ارایه سوال‌های پرسشنامه به صورت تصادفی تنظیم شده بود و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان<sup>۱</sup> انتخاب گردید. برای بررسی رابطه و معناداری آن، در بین متغیرها از روش همبستگی و برای بررسی نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی در رابطه بین ادراک والدینی و باورهای دینی از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. به همین منظور، ابتدا تمام داده‌ها وارد نرم افزار SPSS شد و برای محاسبه همبستگی بین متغیرها از نرم افزار SPSS و برای تحلیل مسیر، از نرم افزار لیزرل استفاده شد.

## ابزار سنجش

**مقیاس ادراک والدینی<sup>۲</sup> (POPS):** ادراک دانش آموزان از روابط والدینی با مقیاس ادراک از والدین که توسط گرولینک، دسی و ریان<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) تدوین شده است، مورد سنجش قرار گرفت. این مقیاس دارای دو نسخه کودکان و دانشجوین است. در این پژوهش از نسخه دوم که متناسب با سال‌های نوجوانی طراحی شده، استفاده شده است. این مقیاس ۴۲ گویه‌ای دارای ۲ بخش پدر و مادر است (۲۱ گویه برای هر کدام) که کاملاً مشابه هستند. شرکت کنندگان به گویه‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پاسخ‌ها شامل پیوستاری از گزینه‌های کاملاً موافق (۷) تا کاملاً مخالف (۱) می‌شود. اعتبار خرده مقیاس‌های این ابزار توسط سازندگان، ۰/۷۲ تا ۰/۸۶ گزارش شده است (گرولینک و همکاران، ۱۹۹۷). بررسی‌های انجام شده در ایران به منظور تعیین ساختار عاملی مقیاس ادراک والدین نشان می‌دهند که این مقیاس، همخوان با نتایج گزارش شده توسط سازندگان، متشکل از سه خرده مقیاس درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی برای هر یک از والدین است (شیرزادی فرد، ۱۳۹۰ و باباخانی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش‌های مذکور، روایی سازه این مقیاس را برای جامعه ایرانی مورد تایید قرار می‌دهند. در ایران، یافته‌های شیرزادی فرد (۱۳۹۰) حاکی از اعتبار قابل قبول این مقیاس است (ضرایب آلفای کرونباخ<sup>۴</sup> ۰/۸۶ برای خرده مقیاس رابطه با پدر و ۰/۸۷ برای خرده مقیاس رابطه با مادر). همچنین کارشکی (۱۳۸۷) در پژوهش خود، اعتبار کلی و اعتبار خرده مقیاس‌ها را بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۳ گزارش نمود.

**مقیاس باور پسا انتقادی<sup>۵</sup> (PCBS):** مقیاس باور پسا انتقادی در سال ۲۰۰۰ میلادی، توسط دیورز و همکاران تهیه شده است. همان‌طور که گفته شد، زیر بنای این مقیاس، رویکرد مفهومی ولف (۱۹۹۷ و ۱۹۹۱) از باور دینی است. ویژگی این مقیاس عبارت است از: ارزیابی حیطه ادراک و شناخت از دین و نه بخش مناسکی و عملی دین، توجه به مضامین دینی به طور کلی و نداشتن سوگیری نسبت به هیچ یک از ادیان. بنابراین ابزاری دقیق برای نحوه پردازشگری باور دینی است. این ابزار دارای ۳۱ گویه است. همه سوالات این مقیاس در طیف ۷ تایی لیکرت نمره گذاری شده اند (کاملاً موافق= ۷، نظری ندارم= ۴، کاملاً مخالف= ۱). این مقیاس از ۴ خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: دیدگاه رایج نگری (۷ گویه)، نقد ظاهری (۹ گویه)، نسبت گرایی (۷ گویه) و پرسشگری دینی (۸ گویه) و هیچ گویه‌ای نمره معکوس ندارد. این ابزار به سه متخصص حوزه دینی (یک روحانی یهودی، یک روحانی زرتشتی و یک روحانی شیعه) ارایه و با ۳۱ گویه مورد توافق هر سه روحانی، قرار گرفت. علت انتخاب سه روحانی از سه دین متفاوت، ماهیت باوری این ابزار است که بنا به نظر سازندگان، می‌بایست برای تمام ادیان قابل استفاده باشد. از آنجا که این مقیاس، یک مقیاس چند بعدی می‌باشد، حجازی و نقش (۱۳۹۲) در یک بررسی درباره سودمندی مقیاس چند بعدی در حوزه‌های مختلف روان شناسی، به این نتیجه دست یافتند که مقیاس چند بعدی، روشی دقیق برای فهم ساختار درونی و پنهان قضاوت‌های انسان‌ها در مورد خود و محیط اطرافشان است. در پژوهش آن‌ها، یافته‌های حاصل از بررسی مقیاس باورهای پسا انتقادی نیز نشان داد که این روش قادر به تعیین دو بعد دین داری (پرسشگری دینی) در مقابل عدم دین داری (نقد ظاهری) و پردازش سطحی در مقابل پردازش عمیق مضامین دینی در نمونه مسلمان است.

1. Morgan

2. Perception Of Parents Scale (POPS)

3. Grolnick, Deci & Ryan

4. Cronbach's alpha

5. Post-Critical Belief Scale (PCBS)

**سیاهه تمایلات تفکر انتقادی کالیفرنیا<sup>۱</sup> (CCTDI):** سیاهه تمایلات تفکر انتقادی کالیفرنیا توسط پیترفشون، نورن فشیون و گیانکارلو<sup>۲</sup> (۲۰۰۱؛ به نقل از حجازی و برجعلی لو، ۱۳۸۹) تهیه شده است. زیر بنای نظری این پرسشنامه، نظریه خودگردانی ذهنی است. این آزمون به ارزیابی حیطه خلق و خوی تفکر انتقادی می پردازد و ابزاری دقیق برای ارزیابی عواطف و نگرش ها در حیطه تفکر انتقادی است. پرسشنامه حاضر برای استفاده دانش آموزان دبیرستان و دانشجویان دانشگاه ها طراحی شده است (فشیون و فشیون، ۲۰۰۷). آزمون تمایلات تفکر انتقادی کالیفرنیا ۷۵ گویه دارد و از ۷ خرده مقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: "تحلیل گری، نظام مندی، کنجکاوی، آزاد اندیشی، اعتماد به توانایی های تفکر انتقادی خود، جستجوگری حقایق و رشد در قضاوت" و هر هفت خرده مقیاس متشکل از ۱۲- ۹ گویه می باشد. ضرایب پایایی این مقیاس در پژوهش حجازی و برجعلی لو (۱۳۸۹)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، برای کل مقیاس ۰/۶۸ برآورد شد. مقدار ضریب<sup>۳</sup> KMO برابر ۰/۷۷ و ضریب کرویت بارتلت<sup>۴</sup> برابر ۶۰۳۶/۰۰۹ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بود که نشان از کفایت نمونه گیری و ماتریس همبستگی گویه ها داشت.

### یافته ها

در جدول ۱، ماتریس همبستگی تمامی ۸ متغیر مورد بررسی آورده شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرها

حمایت از خود مختاری والدین	درگیری والدین	گرمی والدین	نمره کل تفکر انتقادی	باوردینی رایج نگری	باور دینی نقد ظاهری	باور دینی نسبی گرای	باور دینی پرسشگری دینی
حمایت از خود	۱						
مختاری والدین	۰/۴۸۱**						
درگیری والدین	۰/۷۰۲**	۱					
گرمی والدین	۰/۳۳۳**	۰/۴۴۶**	۱				
نمره کل تفکر انتقادی	۰/۳۱۴**	۰/۳۳۳**	۰/۱۶۹*	۱			
باوردینی رایج نگری	۰/۱۴۳*	۰/۱۴۵*	۰/۱۹۸**	۰/۱۸۴**	۱		
باور دینی نقد ظاهری	-۰/۰۷۹	۰/۱۴۲*	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۲	۰/۱۶۷*	۱	
باور دینی نسبی گرای	۰/۱۸۵**	۰/۱۲۱	۰/۱۴۴*	۰/۳۱۷**	۰/۳۱۱**	۰/۰۷۲	۱
باور دینی پرسشگری دینی	۰/۲۷۵**	۰/۲۱۱**	۰/۱۸۹**	۰/۳۶۹**	۰/۳۱۴**	۰/۱۷۰*	۰/۳۶۰**

P<۰/۰۵\*    P<۰/۰۱\*\*

1. California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI)

2. Facione & Gian Carlo

3. Kaiser-Meyer-Olkin

4. Bartlett test of sphericity

## The mediating role of critical thinking in the relationship between parental perception with religious beliefs

با توجه به جدول ۱، همبستگی درگیری والدین با تفکر انتقادی (۰/۳۳)، حمایت والدین از خودمختاری فرزندان با تفکر انتقادی (۰/۳۱) و با گرمی والدین نیز (۰/۱۷) مثبت و معنادار می‌باشد. تفکر انتقادی با باوردینی پرشگری دینی (۰/۳۷) بیشترین همبستگی را دارد و در مرتبه بعدی به ترتیب با باوردینی نسبی گرای (۰/۳۲)، باوردینی رایج نگر (۰/۱۹) و همبستگی تفکر انتقادی با باوردینی نقد ظاهری نیز منفی و غیر معنادار است. همبستگی حمایت والدین از خودمختاری فرزندان با پرشگری دینی (۰/۲۸) و نسبی گرای (۰/۱۹) مثبت و معنادار و با نقد ظاهری (۰/۰۸-) منفی و غیر معنادار می‌باشد. همبستگی درگیری والدین با پرشگری دینی (۰/۲۱)، رایج نگر (۰/۱۵)، و نقد ظاهری (۰/۱۴) مثبت و معنادار و با نسبی گرای (۰/۱۲) همبستگی غیر معنادار دارد. گرمی والدین با پرشگری دینی و رایج نگر (۰/۲۰) و با نسبی گرای (۰/۱۵) همبستگی مثبت و معنادار و با باوردینی نقد ظاهری (۰/۰۲-) همبستگی منفی و غیر معنادار دارد.

در جدول ۲، شاخص‌های نیکویی برازش مدل آورده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

NFI	RMR	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	P	X <sup>2</sup> /df	df	X <sup>2</sup>	
۰/۸۳	۰/۰۶	۰/۸۶	۰/۷۶	۰/۹۲	۰/۱۴	P<۰/۰۱	۳/۹۲	۱۲	۴۷/۰۲	بدون آزاد کردن کوواریانس خطا
۰/۹۷	۰/۰۲	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۰۳	P>۰/۰۵	۱/۱۵	۷	۸/۰۳	با آزاد کردن کوواریانس خطا ها

در جدول ۳، مسیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها در مدل تحلیل مسیر آورده شده است.

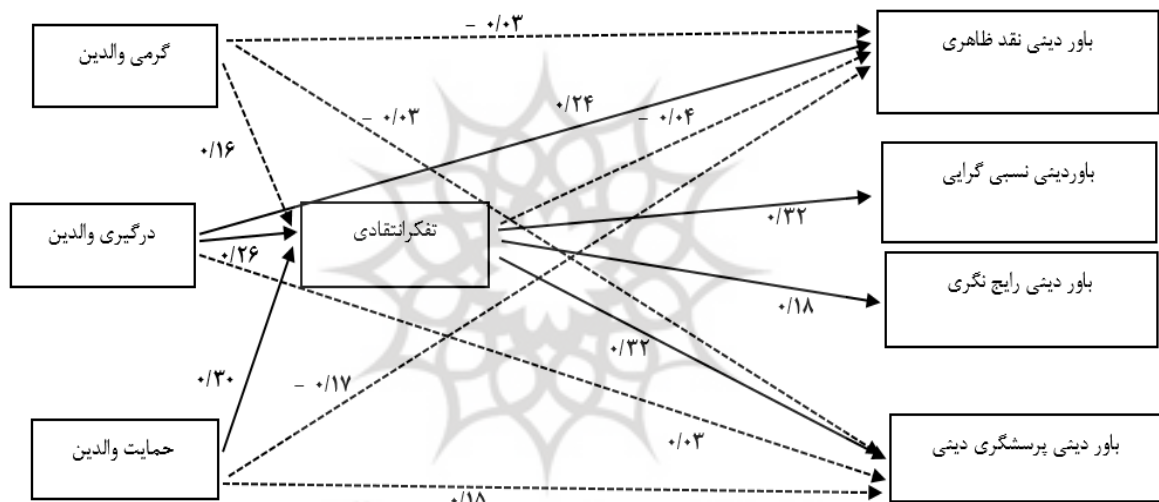
جدول ۳. رابطه مستقیم و غیر مستقیم متغیرها در مدل تحلیل مسیر

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	ضریب تبیین
بر روی تفکر انتقادی از:				
گرمی والدین	-۰/۱۶	-	-۰/۱۶	
درگیری والدین	۰/۲۶**	-	۰/۲۶**	۰/۱۵
حمایت از خودمختاری والدین	۰/۳۰**	-	۰/۳۰**	
بر روی باور دینی نقد ظاهری از:				
تفکر انتقادی	-۰/۰۴	-	-۰/۰۴	
گرمی والدین	-۰/۰۳	۰/۰۰۷	-۰/۰۲۳	۰/۱۵
درگیری والدین	۰/۲۴**	-۰/۰۱	۰/۲۳**	
حمایت از خودمختاری والدین	-۰/۱۷	-۰/۰۱	-۰/۱۸	
بر روی باور دینی پرشگری دینی از:				
تفکر انتقادی	۰/۳۲**	-	۰/۳۲**	
گرمی والدین	-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۸	۰/۱۶
درگیری والدین	۰/۰۳	۰/۰۸**	۰/۱۱	
حمایت از خودمختاری والدین	۰/۱۵	۰/۱**	۰/۲۵*	

P<۰/۰۵\* P<۰/۰۱

با توجه به جدول ۳، اثر مستقیم همه مسیرهای مؤلفه های ادراک والدینی به جز درگیری والدین، و تفکر انتقادی بر روی باور دینی نقد ظاهری، منفی می باشد. مسیرها بر روی باوردینی پرسشگری دینی از گرمی والدین اثر مستقیم (-۰/۰۳) و اثر غیر مستقیم (-۰/۰۵)، از درگیری والدین اثر مستقیم (۰/۰۳) و اثر غیر مستقیم (۰/۰۸)، از حمایت از خود مختاری والدین اثر مستقیم (۰/۱۵) و اثر غیر مستقیم (۰/۱) دارند. اثر مستقیم تفکر انتقادی بر روی باور دینی پرسشگری دینی نیز در حد بالا و معنادار (۰/۳۲) می باشد. مسیرها بر روی باوردینی نقد ظاهری از گرمی والدین اثر مستقیم (-۰/۰۳) و اثر غیر مستقیم (۰/۰۷)، از درگیری والدین اثر مستقیم (۰/۲۴) و اثر غیر مستقیم (-۰/۰۱)، از حمایت از خودمختاری والدین اثر مستقیم (-۰/۱۷) و اثر غیر مستقیم (-۰/۰۱) دارند. اثر مستقیم تفکر انتقادی بر روی باور دینی نقد ظاهری منفی و غیرمعنادار (-۰/۰۴) می باشد. اثر مستقیم مؤلفه های ادراک والدینی بر روی تفکر انتقادی از گرمی والدین، منفی و غیر معنادار (-۰/۱۶)، از درگیری والدین مثبت و معنادار (۰/۲۶) و از حمایت از خود مختاری والدین مثبت و معنادار (۰/۳۰) می باشد. در بررسی و مقایسه اثرهای مستقیم تفکر انتقادی بر باورهای دینی می توان گفت که تفکر انتقادی به ترتیب، بر باور دینی پرسشگری دینی و نسبی گرایی (۰/۳۲) و بر باوردینی رایج نگری (۰/۱۸) بیشترین اثر مستقیم را داشته است، و اثر مستقیم تفکر انتقادی بر باور دینی نقد ظاهری (-۰/۰۴) معکوس و غیر معنی دار می باشد.

در شکل ۲، مدل برازش شده تحلیل مسیر آمده است. مسیرهای خط چین، غیر معنی دار هستند.



شکل ۲. مدل برازش شده تحلیل مسیر

## بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه ادراک والدینی و باورهای دینی دانش آموزان با نقش واسطه ای تفکر انتقادی بود. از میان مولفه های باورهای دینی، مولفه پرسشگری دینی به دلیل پردازش عمیق مضامین دینی به عنوان دین داری و نقد ظاهری به عنوان دین دار نبودن در نظر گرفته شده است.

با توجه به یافته های پژوهش در جدول همبستگی، تمامی مؤلفه های ادراک والدینی با تفکر انتقادی رابطه مثبت و معنادار دارند. این یافته همسو با نتایج مطالعات سالاری، کارشکی و عبد خدایی (۱۳۹۲) و کورش نیا و لطیفیان (۱۳۹۰) است. دانش یکی از مهمترین عوامل بستر ساز تفکر انتقادی به شمار می رود و دانش لازم برای رشد و ارتقاء تفکر انتقادی می تواند در خانواده و توسط والدین به فرزندان منتقل شود. والدینی که از خودمختاری فرزندان حمایت می کنند، کنترل و اعمال قدرت خود بر روی فرزندان را به حداقل می رسانند و به دیدگاه های آنان توجه می کنند، زمینه های رشد تفکر و کسب دانش را برای فرزندان خود فراهم می کنند. در این نوع تعامل، فرزندان می توانند به طور مستقل مسایل را حل کنند، انتخاب گر باشند و در تصمیم گیری ها شرکت کنند. والدین آسان گیر به علت بی تفاوتی، و والدین مستبد به علت دخالت بیش از حد در تصمیم گیری های فرزندان، قادر نیستند شرایط لازم برای بروز و ظهور تفکر انتقادی را فراهم کنند، و تعاملی که بستر رشد تفکر انتقادی می باشد تنها در سبک تربیتی مقتدر ممکن خواهد بود.

## The mediating role of critical thinking in the relationship between parental perception with religious beliefs

بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر، تفکر انتقادی با همه مؤلفه‌های باورهای دینی به جز باوردینی نقد ظاهری رابطه معنی دار دارد. این یافته همسو با نتایج مطالعات فشیون و فشیون (۲۰۰۷)، کلیفورد<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) و (موسوی، ۱۳۹۷) می‌باشد. در دوره نوجوانی و جوانی و بعد از آن که تفکر مذهبی حالتی انتزاعی به خود می‌گیرد، افراد به طرح پرسش‌هایی درباره عادت‌ها، رفتارها و وظایفی می‌پردازند که قبلاً آنها را به عنوان راه روشن زندگی یافته‌اند. بهترین نوع باور دینی، پرسشگری دینی است که عالی‌ترین نوع دینداری به شمار می‌رود. پرسشگری دینی در صورت هدایت صحیح، با پردازش عمیق مضامین دینی مرتبط است، افراد با این نوع باور دینی سعی در یافتن اطلاعات جامع درباره ادیان مختلف و تفاسیر گوناگون از دین دارند و سعی می‌کنند به باور دینی درونی شده دست یابند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های ادراک والدینی بیشترین همبستگی را به ترتیب با پرسشگری دینی و رایج نگری داشته‌اند و رابطه همه مؤلفه‌های ادراک والدینی با باورهای دینی پرسشگری دینی و رایج نگری مثبت و معنی دار می‌باشد. این نتیجه با نتایج مطالعات هادیان و همکاران (۱۳۹۲)، جوانمرد (۱۳۹۲)، گونو، هترینگتون و راس<sup>۲</sup> (۱۹۹۹؛ به نقل از سعید، ۱۳۹۰)، جانستون (۱۹۸۸)، به نقل از موران، ۲۰۰۳) و خطیب زنجانی و فرج‌اللهی (۱۳۹۱) مطابقت دارد. کلارک، ورتینگتون و دنسر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از دی روس، ایدم و میدما<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) با انجام مطالعات تجربی گزارش کردند، والدینی که از فرزندان‌شان در ضمن کنترل، از آن‌ها حمایت هم می‌کنند، فرزندان‌شان ارزش‌های دینی و اخلاقی شبیه والدین خود را خواهند داشت، اما والدینی که فقط از فرزندان خود حمایت می‌کنند بدون این که کنترلی بر آنها داشته باشند و یا والدینی که از فرزندان خود نه حمایت می‌کنند و نه کنترلی بر آنان دارند، فرزندان‌شان باورها و ارزش‌های دینی شبیه والدین‌شان را نخواهند داشت.

با توجه به الگوی معادلات ساختاری، رابطه مؤلفه‌های ادراک والدینی با واسطه تفکر انتقادی در مقایسه با رابطه مستقیم آن‌ها با تفکر انتقادی، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و معنی دار شده است. موران (۲۰۰۳) اعتقاد دارد که در دوره نوجوانی و جوانی و بعد از آن که تفکر مذهبی حالتی انتزاعی به خود می‌گیرد، افراد به طرح پرسش‌هایی درباره عادت‌ها، رفتارها و وظایفی می‌پردازند که قبلاً آن‌ها را به عنوان راه روشن زندگی یافته‌اند. در این دوره فرد برحسب طبیعت و تربیت پیشین خود به قسمت خاصی از ارزش‌ها روی می‌آورد و مسلم است که وضعیت وی در این ارزش‌ها مبتنی بر تربیت قبلی اوست. مشکل اساسی برای یک نوجوان، مسئله انتخاب است. بسیاری از پدران و مادران وقتی که عقاید دینی را برای نوجوانان مطرح می‌کنند، به جای طرح کردن انتخاب‌های موجود، به انتخاب کردن برای نوجوان می‌پردازند، درحالی که او خودش باید انتخاب‌گر باشد، نه این که بزرگ‌ترها انتخاب کنند و به او تحمیل نمایند. بویاتزیس<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) در این زمینه اظهار داشت، چنین نیست که تأکید والدین بر هر باوری موجب قبول آن توسط فرزندان شود، چرا که برخی تحقیقات، تأثیر تأکید والدین را مثبت و برخی منفی نشان می‌دهند. این گفته جایگاه تفکر انتقادی فرد در مواجهه با باورها و عقاید ورودی از محیط را نشان می‌دهد. نوجوانان در مرحله‌ای از زندگی خود به آن دانشی که از خانواده آموخته‌اند و به آن باور دارند دچار تردید و شک می‌شوند. همچنین طبق اظهارات دو نفر از پیروان پیازه، انسان به دلیل انگیزه فطری در کنش متقابل با محیط، با تناقض‌هایی مواجه می‌شود، یعنی با چیزهایی که در ساختار فکری موجودش نمی‌گنجد. فردی که سؤال‌های دینی برای او پیش می‌آید و با پرسشگری در صدد یافتن پاسخ به آن است، به تدریج به پاسخ‌های مناسب دست می‌یابد و به هویت رشد یافته یا درونی شده دینی می‌رسد، بدین معنا که ترکیب مناسبی از باورها، افکار، اعتقادات و عواطف را در خود شکل می‌دهد و به نوعی احساس تعهد و مسئولیت دینی در عرصه‌های مختلف زندگی دست می‌یازد. وقتی چنین هویتی در فرد شکل گرفت، در سالهای جوانی و بزرگسالی نیز صیقل داده می‌شود و استحکام و پویایی شخصیت دینی فرد را شکل می‌دهد (فیاض، ۱۳۸۸).

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان گفت که برخی از سوالات، به ویژه در پرسشنامه‌های تفکر انتقادی و باورهای دینی، قدری از سطح درک برخی از افراد نمونه فراتر بود و نیاز به توضیح داشت، این مسأله ممکن است نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین از باورهای دینی والدین افراد نمونه، اطلاعاتی در دست نبود. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در مورد والدین افراد نمونه، مانند باورهای دینی والدین و توجه آنان به مناسک دینی اجرا گردد. آن چه که در تفکر انتقادی مانع مهمی به شمار می‌رود جنبه‌های عاطفی وابسته به تفکرات قبلی می‌باشد، شعبانی (۱۳۹۲) در این زمینه اظهار می‌دارد؛ افراد زمانی قادر به تفکر

1. Clifford

2. Gonu, Hetherington & Rass

3. Worthington & Dancer

4. De Roos, Iedema & Miedema



انتقادی خواهند بود که بتوانند تصورات و برداشت های خود از واقعیت های موجود را کنار بگذارند، اما ساختارهای فکری، صرفاً موضوع های شناختی عاری از احساس نیستند، بلکه تا حد بسیاری شخصی و احساسی اند و عقاید و ارزش های پذیرفته شده را در بردارند. بر همین اساس، چنان چه پرسشنامه هایی ساخته شوند که بتوانند عواطف و تعصبات افراد به باورها و عقاید قبلی را کنترل نمایند، یافته ها از اعتبار و روایی بیشتری برخوردار خواهند بود. همچنین، آموزش مهارت های تفکر انتقادی به عنوان یک اصل مهم در رسیدن به باورهای دینی کارآمد و هدایت گر، باید در دوران نوجوانی به عنوان یکی از محورهای مهم برنامه آموزش در مدارس و در خانواده قرار گیرد. به نوجوانان باید آموزش داد که تردید منطقی و پرسش های کنجکاوانه در مورد باورهایی که از محیط خانواده و یا مدرسه کسب نموده اند یک مساله مذموم و آسیب زا نیست. بسیاری از معلمان و والدین، درمورد باورهای دینی، دانش آموزانی را می پسندند که رایج نگر باشند و نه پرسشگر. آنها به کسانی بها می دهند که در مقابل خواسته ها و گفته های آنان مطیع باشند. بنابراین پرسشگری و کنجکاوی و روحیه شک مقدس و تردید منطقی اولاً؛ در همه افراد یافت نمی شود، ثانیاً؛ همه افراد قادر به تحمل افراد پرسشگر و کنجکاو نیستند. ثالثاً؛ شک مقدس و تردید منطقی افراد، غالباً توسط والدین و معلمان نادیده گرفته و یا سرکوب می شود. بنابراین لازم است که برای رسیدن به باورهای دینی مؤثر و کارآمد در عرصه زندگی و اجتماع، والدین، معلمان و دانش آموزان با آموزش ها و برنامه های مفید، تحت آموزش و فرهنگ سازی قرار گرفته و نگرش ها و باورهای خود را تصحیح و تعمیق نمایند.

## منابع

- باباخانی، نرگس (۱۳۹۰). *الگوی تبیین یادگیری خودتنظیم براساس ادراک محیط کلاس، خانواده و احساس تعلق به مدرسه در دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران*. رساله دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- جوانمرد، غلامحسین (۱۳۹۲). *بررسی تأثیر پذیری فرزندان از والدین در بعد عمل به باورهای مذهبی*، دو فصلنامه علمی - پژوهشی شناخت اجتماعی، (۴پیاپی)، ۲۲ - ۲۱.
- جواد زاده شهشانی، افسانه (۱۳۸۳). *بررسی تفکر انتقادی و هویت دینی و رابطه این دو در دانشجویان دانشگاههای تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
- چراغی، اسماعیل؛ بیاری، علی اکبر (۱۳۹۸). *ساز و کار تأثیر باورهای دینی در کاهش آسیب های اجتماعی*. فصلنامه مطالعات اسلامی، دوره دوم، شماره اول، بهار ۹۸، (پیاپی ۴).
- حجازی، الهه؛ برجلی لو، سمیه (۱۳۸۹). *تفکر انتقادی، سبک های هویت و تعهد هویت در نوجوانان: ارائه یک مدل علی*. دوفصلنامه روان شناسی معاصر، ۲، ۱۵-۳.
- حجازی، الهه؛ نقش، زهرا (۱۳۹۲). *مقیاس بندی چند بعدی و سودمندی آن در حوزه های مختلف روان شناسی*. فصلنامه اندازه گیری تربیتی، ۱۳، ۱۹۱-۱۶۹.
- حیدری، محمود؛ مظاهری، محمد علی؛ صادقی، منصوره السادات (۱۳۸۶). *بررسی رابطه سبک های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین*، نشریه مطالعات اسلام و روان شناسی، شماره ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خطیب زنجانی، نازیلا؛ فرج الهی، مهران (۱۳۹۱). *عوامل مؤثر در اشاعه مفاهیم در بین دانش آموزان*. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۲۵، ۱۷-۱.
- خلیلی فر، مینا؛ کاظمی، سلطانه؛ جاویدی، حجت الله (۱۳۹۵). *مطالعه تأثیر سبک فرزند پروری والدین سبک جهت گیری مذهبی در دانش آموزان پایه سوم دوره متوسطه شهر شیراز*. pajoohi.ir.
- دهقانی فیروزآبادی، فاطمه؛ اخوت، علی محمد (۱۳۹۴). *بررسی رابطه سبک های فرزند پروری والدین بر تفکر انتقادی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی*، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی، elmnet.ir.
- سالاری، مریم؛ کارشکی، حسین؛ عبد خدایی، سعید (۱۳۹۲). *نقش ادراک والدینی و انگیزش تحصیلی در گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان*، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۱ (۲ پیاپی)، ۶۷-۶۴.
- سعید، مونا (۱۳۹۰). *رابطه میان سبک های فرزند پروری ادراک شده، سبک های هویت و عمل به باورهای مذهبی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۲). *روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردهای تفکر)*، چاپ هفتم: پاییز ۱۳۹۲، تهران: انتشارات سمت.
- شیرزادی فرد، میثم (۱۳۹۰). *سبک های پردازش اطلاعات، ادراک روابط والد - کودک و بهزیستی ذهنی: نقش واسطه ای باورهای اساسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- فیاض، ایراندخت (۱۳۸۸). *راهبرد هویت پایدار در قرآن کریم*. مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، معارف اسلامی، شماره ۷۷.

## The mediating role of critical thinking in the relationship between parental perception with religious beliefs

- قربانی، قدرت الله (۱۳۹۸). معیارهای ارزیابی عقلانیت باورهای دینی در رویکرد جامع‌نگر. دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی. سال هشتم، شماره ۱۷.
- کارشکی، حسین (۱۳۸۷). نقش الگوی انگیزشی و ادراکات محیطی در یادگیری خودتنظیمی دانش‌آموزان پسر پایه دبیرستان‌های شهر تهران. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران.
- کوروش‌نیا، مریم؛ لطیفیان، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره سوم، شماره ۲، پیاپی ۶۱/۲.
- مرادی مخلص، حسین؛ حیدری، جمشید (۱۳۹۵). گذار از آموزش دینی به تربیت دینی در عصر اطلاعات و ارتباطات با پرورش تفکر انتقادی، سومین کنفرانس روان‌شناسی، علوم تربیت و سبک زندگی با رویکرد بین‌المللی، [civilica.com](http://civilica.com).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). پانزده گفتار. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری.
- مظفری، سعیده (۱۳۸۷). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و تفکر انتقادی با باورهای دینی در دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مکیلانی، حسین؛ درانی، کمال؛ صالحی، کیوان (۱۳۹۶). تحلیل پدیدارشناسانه باورهای دینی دانش‌آموزان و آرایه راهکارهایی برای کاهش چالش‌ها و آسیب‌های موجود، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیست و پنجم، شماره اول (پیاپی ۵۳)، بهار و تابستان ۱۳۹۷: ۱۵۷-۱۹۲.
- موسوی، فرانک (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آزاداندیشی بر تفکر انتقادی دانشجویان. پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۶، شماره ۴۰، ۵۴-۳۹.
- نعیمی، ابراهیم؛ آشفته، سید محمد حسین؛ طالبی، ریحانه (۱۳۹۵). بررسی رابطه خودکارآمدی تحصیلی با همبندی ادراک از خود و تفکر انتقادی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال هفتم، شماره ۲۶.
- هادیان، سید علی؛ غروی راد، سیدمحمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). تأثیرات والدین بر دینداری فرزندان از منظر روان‌شناسی دین. دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۳، ۴۶-۲۵.
- هادیان، سیدعلی (۱۳۹۱). عوامل روان‌شناختی مؤثر بر باور دینی از منظر متون دینی و تحلیل آن از دید روان‌شناسی دین، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه قم، دانشکده الهیات.
- Alper Ay, F., Karakaya, A. & Yilmaz, K. (2015). *Relations Between Self-Leadership And Critical Thinking Skills*. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 207, 29-41.
- Boyatzis, C. J. (2005). "Religious and Spiritual Development", *Handbook of The Psychology of Religion and Spirituality* (pp.123-143), R. F. Paloutzian & C. L.Park (eds.), New York: Guilford Press.
- Clifford, J.S.; M.M. Boufal & J.E. Kurtz (2004). "Personality Traits and Critical Thinking Skill in College Student. *Empirical Tests of a two Factor Theory*". Assessment, 11(2): 169-176.
- De Roos, S.A., Iedema, J. and Miedema, S. (2004). *Influence of maternal denomination, God concepts, and child-rearing practices on young children s God concepts*, Journal for the Scientific Study of Religion, 43(4):519-535.
- Duriez, B., Fontaine, J.R., & Hutsebaut, D. (2000). *A further elaboration of the post-critical belief scale: Evidence for the existence of four different approaches to religion in Flanders-Belgium*, Psychological Belgica, 40, 153-181.
- Facione, P., & Facione, N. (2007). *The California Critical Thinking Disposition Inventory (CCTDI)*. Published by insight Assessment, California: Academic Press.
- Gervais, William & Norenzayan, Ara (2012), *Analytic Thinking Promotes Religious Disbelief*, Science, pp336-493: from [www.sciencemag.org](http://www.sciencemag.org).
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1997). *Internalization within the family: The self-determination theory perspective*. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory* (pp. 135-161). New York: Wiley.
- Huntley, C., & Peeters, T. (2005). *Paranormal beliefs, religious and personality correlates*. <http://www.thesis.net>.
- Lyutykh, E. (2009). *Practicing critical thinking in an educational psychology classroom*. Journal of Education studies, 45(4), 377-391.
- Moran, G. (2003). *PARENTES: Religious and Moral education*, Retrieved April 10, 2005, from <http://www.adoniram.net/Religious-and-Moral-Education.html>.
- Pennycook, Gordon, Cheyne, James Allan, Barr, Nathaniel, Koehler, Derek J, Fugelsang, Jonathan A (2013), *Cognitive style and religiosity: The role of conflict detection*, Psychonomic Society, Inc.
- Pieterse, T., Lawrence, H., & Friedrich-NeL, H. (2016). *Critical thinking ability of 3rd year radiography students*. Health SA Gesondheid, 21, 381-390.
- Razmyar, Soroush, L. Reeve, Charlie (2013), *Individual differences in religiosity as a function of cognitive ability and cognitive style*. Intelligence, No 41, September, pp: 667-673.
- Saroglou, V. (2002). *Beyond dogmatism: The need for closure as-related to religion*, Mental Health, Religion, Culture, 5, 194-183.
- Saroglou, V. (2006). *Religious Bricolage as a psychological Reality: Limits. Structures and Dynamics*. Social compass, 53(1), 109-115.
- Wulff, D.M. (1997), *Psychology of religion: Classic and contemporary* (2nd ed.), New York: Wiley.
- Wulff, D.M. (1991), *Psychology of religion: Classic and contemporary views*, New York: Wiley.